

دین و زندگی

جلسه نهم

« درس ششم »

« جایگاه تشیع (امامت) »

وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ

۱- کلمه شیعه در قرآن به معنای پیرو است.

۲- حضرت ابراهیم شیعه حضرت نوح بوده است.

وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ
يَقْتُلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ...

۱- در قران پیروان حضرت موسی(ع) شیعه او نامیده
شده‌اند.

۲- در این آیه شیعه در مقابل عدو به کار رفته است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

۱- این آیه در شأن امام علی (ع) و دیگر ائمه

است. (خیرالبریه)

۲- منظور از خیرالبریه اهل بیت (ع) هستند.

۳- اهل بیت (ع) در ایمان و عمل صالح بهترین هستند.

معنای شیعه

«شیعه» در لغت به معنای پیرو، یار و طرفدار است. در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته و حضرت ابراهیم(ع) شیعه و پیرو حضرت نوح(ع) معرفی شده است؛ با این که قرآن کریم آن بزرگوار را «مُسْلِم» نیز نامیده است.

دستور به پیروی از امیرالمؤمنین (ع)

پیامبر اکرم (ص) که با ایمان و استقامت بی‌مانند خود دعوت مردم به اسلام را پیش می‌برد و به پیروزی حق بر باطل یقین داشت، از همان ابتدای رسالت، به فرمان الهی، تلاش می‌کرد تا در موقعیت‌های مختلف، حضرت علی (ع) را که در ایمان و عمل بی‌نظیر و معصوم از گناه بود، به مردم معرفی کند و ادامه راه را برای پس از خود مشخص سازد و مانع سرگردانی مردم شود.

و از آنجا که حضرت علی (ع) توسط پیامبر، با حقیقت اسلام به طور کامل آشنا شده بود، رسول خدا (ص) به مردم تأکید می کرد که پیروی از امام علی (ع) و عمل به دستورات او مانع گمراهی و سرگردانی می شود و نجات جامعه ی بشری را به دنبال دارد. برای مثال، جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا (ص) می گوید: «در کنار خانه ی خدا و در حضور رسول خدا (ص) بودیم که حضرت علی (ع) وارد شد. رسول خدا (ص) می گوید:

برادرم به سویتان آمد. سپس، رو به سمت کعبه کرد و با

دست به آن زد و فرمود: سوگند به خدایی که جانم در

دست قدرت اوست، این مرد و کسانی که از او پیروی کنند،

رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات‌اند.»

سپس، فرمود: این مرد اوّلین ایمان آورنده به خدا،
وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ ترین شما در انجام
فرمان خدا، صادق ترین شما در داوری بین مردم، بهترین
شما در رعایت مساوات بین آن ها و ارجمندترین شما نزد
خداست.

در همین هنگام آیه ی زیر بر پیامبر خدا نازل شد:

آنان که ایمان آوردند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

و کارهای شایسته انجام دادند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

اینان بهترین مخلوقات اند.

أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

رسول خدا (ص) در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی (ع) و اهل بیت را برای مردمی که قرن‌ها با نظام قبیله‌ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه‌ی شرافت می‌دانستند بیان می‌کرد تا دل‌های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی‌شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می‌خواندند و در زندگی: دنیایی مانند معمولی‌ترین افراد زندگی می‌کردند. از جمله فرموده‌اند:

(۱) عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ

علی با قرآن است و قرآن با علی است.

(۲) عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ

علی با حق است و حق با علی است.

(۳) أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ

من و علی پدران این امتیم هستیم.

حضرت علی تربیت یافته پیامبر گرامی

حضرت علی (ع) کودکی بیش نبود که به خانه‌ی پیامبر آمد، از همان زمان، تربیت وی در دامن پیامبر آغاز گردید و درهای دانش الهی به رویش گشوده شد. ایشان در این باره می‌فرماید:

« خداوند بزرگترین فرشته خود را همراه رسول خدا قرار داد. آن فرشته، شب و روز راه کسب مکارم و زیبایی‌های اخلاق را به ایشان نشان می‌داد و من، در نهایت عشق و شیفتگی از آن حضرت تبعیت می‌کردم و ایشان را همراهی می‌نمودم.»

این تربیت بدان جهت بود که حضرت علی (ع) پس از رسول خدا (ص) راه آن حضرت را ادامه دهد و با تکیه بر دانش الهی خود، مردم را در زمینه ی احکام و معارف دینی هدایت کند. رسول خدا (ص) نیز در هر فرصتی که پیش می آمد، این مقام علمی را به اطلاع مردم می رساند. در این جا به یک مورد از سخنان آن حضرت اشاره می کنیم:

من شهر علم هستم

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ

و علی در آن است.

وَ عَلِيٌّ بِأَبِهَا

هر کس می خواهد به این علم برسد.

فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ

باید از در آن وارد شود.

فَلْيَأْتِهَا مِنْ أَبِيهَا.

مطابق با این حدیث نکات زیر به دست می آید.
اولاً حضرت علی (ع) پس از رسول (ص) خدا از همه داناتر است؛

ثانیاً حضرت علی (ع) در علم خود معصوم است؛ وگرنه رسول خدا (ص) نمی فرمود که همه باید به ایشان مراجعه کنند.

ثالثاً بر مردم واجب است که از دانش حضرت علی (ع) بهره ببرند و مطابق نظر ایشان عمل کنند؛ زیرا ایشان راه رسیدن به علم پیامبر است و بهره مندی از علم پیامبر هم بر همه واجب است.

به همین جهت روزی رسول خدا(ص) به حضرت علی(ع) فرمود :
« ای علی، من شهر حکمتم و تو در آن شهر هستی. هیچ گاه
نمی توان وارد شهری شد، مگر از در آن. دروغ می گوید کسی که
می پندارد مرا دوست دارد، در حالی که دشمنی و کینه‌ی تو در
دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو. ... کسی به فلاح می
رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می رسد کسی که از تو دوری
گزیند. مَثَل تو و امامان از فرزندان تو، مَثَل کشتی نوح است؛
هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس سرپیچی کند، هلاک
شود. مَثَلِ شَمَا مَثَلِ سِتَارِگَانِ آسمان است که چون ستاره ای
غایب شود، ستاره ای دیگر طلوع می کند تا روز قیامت.»

مقام و منزلت حضرت علی(ع) نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم(ص) از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خویشاوندی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر «ایمان» بی نظیر و «عمل» بی مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک رنگی، وفا، عبادت، علم و سایر کرامت های اخلاقی ایشان را به چنین مقامی رسانده است. یکی از ویژگی های ممتاز امیرمؤمنان عدالت خواهی و دفاع از مظلومان بود. آن حضرت «عدالت اجتماعی» را رسالت پیامبران می شمرد و در دفاع از عدالت از پیشتازان بود.

تشیع و وحدت مسلمانان

برای حفظ همبستگی و وحدت میان مسلمانان، باید به نکات زیر توجه کنیم:

۱- مستکبران جهانی که با اصل اسلام و پیام قرآن کریم دشمنی دارند و به صورت های مختلف به پیامبر بزرگوار ما و کتاب آسمانی ما اهانت می کنند، در صدد نابودی اسلام و ضعیف نگه داشتن همه ی مسلمانان هستند. راهی که برای این هدف خود انتخاب کرده اند، تفرقه و جنگ میان مسلمانان است. ما باید با هوشیاری خود در این دام نیفتیم.

۲- از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. آنان که می‌خواهند مسلمانان را با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین‌ها، بذر دشمنی میان مسلمانان را می‌کارند و در موقع مناسب، درو می‌کنند و به هدف خود می‌رسند.

۳- خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیروزی، عزت و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و تا آنجا که می‌توانیم برای آبادانی و پیشرفت جهان اسلام همکاری کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود:

«کسی که صبح خود را آغاز کند و در اندیشه ی رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.»

۴- از مظلومان مسلمان در تمام نقاط جهان، با روش های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم. زیرا رسول خدا (ص) در این باره هم فرمود:

« هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می طلبد، بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست.»

۵- اعتقادات خود را با دانش و استدلال ، اعتلا و ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی شود، بلکه دل ها را به یکدیگر نزدیک می کند. بنابراین لازم است برنامه‌ای برای شناخت بیشتر معارف اهل بیت(ع) تنظیم کنیم و شرکت در سخنرانی‌های علمی و مطالعه‌ی کتاب های مناسب را در برنامه‌ی خود قرار دهیم.

۶- به عنوان یک پیرو امیرالمؤمنین، به گونه ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران به تشیع نشویم. رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه قرار دهیم و در انجام تکالیف خود، مانند برپاداشتن نماز، رعایت حجاب و عفاف، رعایت حقوق دیگران، ادب معاشرت با مردم، پیروی از قوانین اجتماعی، همبستگی با مسلمانان کوشا باشیم و بدانیم که پیرو رسول خدا (ص) و اهل بیت گرامی ایشان بودن، تنهابه اسم نیست، بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا پیرو حقیقی پدید آید. شیعه ی با عمل سبب علاقه مندی مردم جهان به پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان (صلوات الله علیهم) می شود و شیعه بدون عمل دوری مردم به آن بزرگواران را در پی دارد، و این خود گناه بزرگی محسوب می گردد.

از این رو امام صادق (ع) می فرماید:

كُونُوا لَنَا زِينًا زینت خاندان ما باشید.

وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا و مایه ی زشتی و عیب ما نباشید.

۱- از دقت در آیه ی شریفه ی «و دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ» مفهوم می گردد که:

(۱) کلمه شیعه در قرآن کریم نیز به کار رفته و برای پیروان حضرت موسی (ع) استفاده شده است.

(۲) رسول خدا لفظ شیعه را در باره ی پیروان حضرت علی (ع) به کار برده است.

۳) حضرت ابراهیم (ع) ، شیعه و پیرو حضرت نوح (ع) معرفی شده با این که قرآن کریم ایشان را مسلم نیز نامیده است.

۴) همه انسان ها از ابتدا با عنوان « شیعه » آشنایی داشته و از جایگاه و موقعیت حضرت علی (ع) با خبر بوده اند.

گزینه ی « ۱ » صحیح است.

۲- مصداق آیهی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» است که بر حدیث نازل شده

است.

(۱) حضرت علی-مقدم- أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ

الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

(۲) اهل بیت پیامبر(ص)- مؤخر- «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ هَذَا

وَشِيعَتُهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ

(۳) حضرت علی (ع) - مؤخر - «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا

وَشِيعَتُهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ

(۴) اهل بیت پیامبر (ص) - مقدم - «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ

بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا.»

گزینہی «۳» صحیح است

۳- آیات شریفه ی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»، «فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ» و «وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» به ترتیب پیرامون چه کسانی هستند؟

۱) حضرت نوح (ع) - حضرت علی (ع) - حضرت موسی (ع)

۲) حضرت علی (ع) - حضرت موسی (ع) - حضرت نوح (ع)

۳) حضرت نوح (ع) - حضرت موسی (ع) - حضرت علی (ع)

۴) حضرت علی (ع) - حضرت نوح (ع) - حضرت موسی (ع)

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۴- با توجه به آیه «وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» حضرت ابراهیم (ع) شیعه‌ی معرفی شده ، با این که قرآن کریم در آیه‌ی آن بزرگوار را مسلم نامیده است. و به تربیت پیرامون چه کسانی هستند؟

۱) نوح (ع) - وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

۲) موسی (ع) - مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا

۳) نوح (ع) - مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا

۴) موسی (ع) - وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ

إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
گزینه‌ی «۳» صحیح است

۵- کدام آیه یا حدیث پیرامون «مقام و منزلت حضرت علی (ع) نزد خدا» است که در کنار خانه ی خدا و نزد جابر بن عبدالله انصاری بیان شده است؟

(۱) أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ

(۲) عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ

(۳) أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

(۴) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

گزینہ ی «۴» صحیح است

۶- مصداق آیهی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» پس از بیان کدام حدیث از جانب پیامبر اکرم (ص)

نازل شده است؟

(۱) «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ هَذَا وَشِيعَتُهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ»

(۲) «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ»

(۳) «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بِأُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا الْبَابِهَا»

(۴) «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»

گزینہی «۱» صحیح است

« درس هفتم »

« وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه (ع) »

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ»

۱- تشویق به تفکر در عاقبت گذشتگان

۲- تاریخ گذشته چراغ راه آینده

۳- بهره گیری از حجت باطن (عقل) (افلا تعقلون)

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا
وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»

۱- پیامبر اسلام نیز تابع قوانین و سنت های الهی همچون مرگ
است.

۲- مهم ترین خطر که جامعه اسلامی را تهدید می کند و بازگشت
به جاهلیت (واپسگرایی - ارتجاع)

۳- سپاسگزاران واقعی نعمت رسول خدا (ص) پس از رحلت او
کسانی هستند که ثابت قدم ماندند و گرفتار زلزله در اعتقاد
نشدند.

هشدار قرآن کریم به مسلمانان عصر پیامبر(ص) نیازمند
دقت و توجه فراوان است. این هشدار گویای آن است که
خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعه ی
توحیدی، حتی برای جامعه ای که به دست پیامبر هم بنا
شده، وجود دارد.

امیر مؤمنان علی (ع) که از ابتدای بعثت پیامبر اکرم، همراه ایشان بود و از تعلیمات آن بزرگوار به خوبی برخوردار شده بود، وقتی نحوه ی عمل مسلمانان، پس از رحلت پیامبر را مشاهده کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه ی رفتارها و وقایع داشت، در زمان های مختلف سمت و سوی حوادث آینده و سرنوشت جامعه ی اسلامی را پیش بینی می کرد و در سخنرانی های متعدد مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می داد.

« به زودی پس از من زمانی فراخواهد رسید که در آن زمان چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کالایی کم بهاتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود و کالایی رایج تر و فراوان تر از آن نیست، آن گاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته تر از معروف و خیر و شناخته شده تر از منکر و گناه نیست.

آن مردم در اختلاف با یکدیگر و پراکندگی متحدند و از اتحاد و یگانگی رویگردانند. گویا آنان خود را راهنمای قرآن می دانند، نه قرآن را راهنمای خود، از قرآن در میان آنان جز نامی باقی نمانده و جز خط و نوشته اش چیزی از آن نمی دانند...» ایشان در سخنانی دیگری از حاکم شدن بنی امیه خبر می دهد و آن را نتیجه ی سستی مسلمانان در دفاع از حق می داند و درباره ی رفتار بنی امیه می فرماید:

« به خدا سوگند بنی امیه تا آن جا در ستمگری و تجاوز پیش می‌روند که هر حلالی را حرام نمایند و هر پیمانی را که بسته‌اند، بشکنند. هیچ کلبه‌ی گلی و خیمه‌ی فقیرانه‌ای نیست، مگر آن که ظلمشان را ببینند و فشارشان را تحمل کنند. رفتار بنی‌امیه چنان بد است که اهالی همین خانه را هم متفرق سازد. کار به آن جا خواهد رسید که هم گروهی که دینشان را می‌خواهند بر دینشان بگریند و هم گروهی که دنیای خود را می‌خواهند بر نابسامانی دنیای خود گریانند. وضع به گونه‌ای شود که هر کس بخواهد دادخواهی کند و از کسی یاری بطلبد باید نزد همان ظالمان برود و از همان‌ها کمک بخواهد.

پس از رحلت رسول خدا(ص) در سال یازدهم هجری، حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام (ص) برنامه‌ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت. دستاورد این پیشامد آن بود که امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه‌جانبه‌ی مسئولیت‌های خود شوند. پس از گذشت ۲۵ سال از رحلت پیامبر، فقط در یک دوره‌ی کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره‌ی حکومت به حضرت علی (ع) رسید و ایشان در همین دوره‌ی کوتاه، عالی‌ترین نمونه‌ی انسانی حکومت را به همه‌ی نسل‌ها در سراسر تاریخ عرضه کرد.

در نتیجه ی خروج جریان رهبری از مسیر امامت، پس از مدت کوتاهی، جانشینی رسول خدا (ص) به دست کسانی افتاد که با نفرت و کینه با آن حضرت مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی حاضر به اسلام آوردن شدند که پیامبر اکرم (ص) شهر آنان، مکه، را تصرف کرد، و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد.

معاویه، پسر او در سال چهارم هجری به نام جانشینی پیامبر(ص)، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا (ص) را به سلطنت تبدیل کرد. او یزید را جانشین خود قرار داد. شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی نداشت. جانشینان وی تا سال ۱۳۲ هجری قمری بر مردم حکمرانی کردند.

پس از سقوط بنی امیه، در زمانی که امام صادق(ع) رهبری شیعیان را برعهده داشت، حکومت مسلمانان به دست بنی عباس افتاد. آنان با این که خود را عموزادگان ائمه‌ی اطهار(ع) می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر(ع) از چیزی فروگذار نکردند؛

به گونه‌ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر (ص) و دو میراث گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه‌ی اطهار(ع) - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی‌ماند. اکنون به بررسی مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره می‌پردازیم، تا به مجاهدت‌های امامان بزرگوار بیشتر پی ببریم.

۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص)

پس از رحلت رسول خدا (ص)، نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آن‌ها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، چند اشکال اساسی داشت؛ از جمله این که:

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش می‌یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت‌ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم می‌شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث فراهم می آمد که براساس اغراض شخصی به جعل یا تحریف حدیث پردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.

ج) نوشته نشدن حدیث سبب می شد که مدرک و منبعی که از طریق آن بتوان احادیث درست را از نادرست تشخیص داد، در دست نباشد.

د) مهم تر از همه این که مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره می ماندند و به ناچار، سلیقه ی شخصی را در احکام دینی دخالت می دادند.

تذکر: البته این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ایشان حفظ شده بود. شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان‌هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا (ص) معتبر و موثق بود، به دست می‌آوردند.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند.

برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره‌ی پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به افکار کسانی که از ائمه‌ی اطهار (ع) پیروی نمی‌کردند، جهت می‌داد و در کتاب‌های تاریخی و تفسیری آنان راه می‌یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان می‌شد. حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به قدرت آنان کمک می‌کرد و مردم را مطیع آنان می‌گرداند.

۳- ظهور شخصیت ها و الگوهای غیرقابل اعتماد

در آن زمان که رسول خدا (ص) اسوهی مردم بود و مسلمانان تلاش می کردند رفتار ایشان را سرمشق قرار دهند، انسان‌هایی آزاده، شجاع، با ایمان و عدالت طلب چون امام علی (ع) ، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت های انسانی است.

اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر (ص) فاصله می گرفت، حاکمان وقت تلاش می کردند که شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر(ص) ، به انزوا کشیده شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم شوند. این گونه شخصیت ها در دستگاه حکومت بنی امیه و بنی عباس صاحب موقعیت بودند و به شهرت رسیدند.

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و

کسرایی

پیامبر خدا (ص) حکومتش را بر پایه‌ی برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه‌ی انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست. پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا (ص) جاهلیت در لباسی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد.

شخصیت های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر (ص) منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت، قرب و منزلت یافتند. آن دسته از افراد که در زمان رسول خدا (ص) در جبهه‌ی دشمنان اسلام بودند، پس از مدتی با تزویر و نیرنگ خود را در جبهه‌ی دوستان قرار دادند و به تدریج، شیوه‌ی حکومتی قیصران روم و کسراهای ایران را در پیش گرفتند.

۱- « فراهم آمدن زمینه های تحقق اغراض شخصی در تحریف احادیث » و « بی بهره ماندن محققان از یک منبع هدایت » به ترتیب از پیامدهای نامیمون و بود.

(۱) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر(ص) - ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر(ص)

(۲) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر(ص) - تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث
(سراسری ریاضی ۹۱)

۳) تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث - تحریف در

معارف اسلامی و جعل احادیث

۴) تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث - ممنوعیت

از نوشتن احادیث پیامبر (ص)

گزینه‌ی «۱» صحیح است.

۲- اگر سؤال شود «یکی از نتایج مطالعه ی تاریخ گذشتگان

چیست؟» پیام کدام آیه پاسخ به این سؤال خواهد بود؟

(۱) «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ

انقلبتُمْ»

(سراسری تجربی ۹۱)

(۲) «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»

(۳) «وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ»

(۴) «وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ

گزینه ی «۲» صحیح است.

الشَّاكِرِينَ»

۳- «ورود جاهلیت در لباس جدید به زندگی اجتماعی مسلمانان» و «رواج یافتن بافته های ذهنی کعب الأخبارها» به ترتیب بازتاب کدام رخداد در جامعه ی اسلامی پس از رحلت رسول خدا(ص) می باشد؟
(سراسری انسانی ۹۱)

۱) تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای - ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم(ص)

۲) تحریف در معارف اسلامی - تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای

۳) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) - تبدیل

حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرایی

۴) تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرایی

- تحریف در معارف اسلامی

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۴- «مؤثر واقع شدن دستاویز تزویر برای دشمنان اسلام که خود را در جبهه ی دوستان قرار دهند» و «جایگاه برجسته پیدا کردن افراد بی بهره از معیارهای اسلامی» به ترتیب از پیامدهای نامیمون کدام رخداد پس از رحلت پیامبر خدا (ص) بود؟

(سراسری زبان ۹۱)

۱) ظهور شخصیت های غیر قابل اعتماد - تبدیل عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای

۲) ظهور شخصیت های غیر قابل اعتماد - تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

(۳) تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و

کسرایی - ظهور شخصیت های غیر قابل اعتماد

(۴) تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرایی

- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

گزینه‌ی «۳» صحیح است.

۵- « فراهم شدن شرایط مناسب برای جااعلان حدیث » و « تفسیر و تبیین آیات قرآن و معارف اسلامی » به ترتیب ، بازتاب کدام یک از مسائل و مشکلات امت اسلامی ، پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) بود؟
(سراسری خارج کشور ۹۰)

۱) تحریف در معارف اسلامی - ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص)

۲) تحریف در معارف اسلامی - تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای

۳) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) - تحریف

در معارف اسلامی

۴) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) - تبدیل

حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای

گزینه‌ی «۳» صحیح است.

۶- با توجه به آیه ی شریفه ی «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ

خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ

يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»

آن چه از مومنان انتظار می رود به منظور اثبات

..... می باشد.

(سراسری ریاضی ۹۰)

۱) قبول پیوستگی رسالت انبیا - سپاس گذاری خویش

۲) ثبات قدم در برابر سختی های راه - سپاس گذاری

خویش

۳) قبول پیوستگی رسالت انبیا - اعتقاد به سنت های الهی

۴) ثبات قدم در برابر سختی های راه - اعتقاد به سنت های

الهی

گزینه ی «۲» صحیح است.

« درس هشتم »

« احیای ارزش های راستین »

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ

سَبِيلًا

* پیامبر اکرم (ص) مزد و اجر رسالت خود را در مسیر خدا

قرار گرفتن مردم و هدایت آنان بیان می کند. « سَبِيلًا »

« قُلْ + مَا + أَسْأَلُكُمْ »

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

۱- مزد رسالت پیامبر به نفع خود مردم است. « فَهُوَ لَكُمْ »

۲- دوستی با اهل بیت (ع) به نفع خود مردم است.

۳- اجر و مزد پیامبر فقط نزد خداست.

« إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ »

« قُلْ + ما + سَأَلْتُكُمْ »

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ.

۱- پیامبر از پیروانش هیچ پاداشی جز دوستی با خاندانش
نمی خواهد. «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»

۲- دوستی با اهل بیت (ع) علت دریافت پاداش مضاعف
است.

« قُلْ + لَا + أَسْأَلُكُمْ »

با توجه به پیام آیات درمی یابیم که خداوند مقصود خاصی از این فرمان دارد. او می خواهد که مردم با محبت به اهل بیت پیامبر(ص) و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند. پس دوستی و محبت کسانی موردنظر است که چراغ هدایت مردم در تاریکی ها هستند. پس از نزول آیه ی ۲۳ سوره ی شوری از رسول خدا پرسیدند که این خویشان که خداوند، ما را به دوستی آنان فرمان داده، کیستند؟

فرمود: **علی و فاطمه و دو پسر ایشان، حسن و حسین.**

اما همان طور که در درس قبل خواندیم، بسیاری از مسلمانان در تشخیص مسیر صحیح به خطا رفتند و حاکمان ستمگر بر آنان چیره شدند. امیرالمؤمنین که عاقبت رفتار آنان را پیش بینی می کرد، راه نجات را هم به آنان نشان می داد. در یکی از سخنرانی ها که قسمتی از آن در درس قبل آمد، آنان را این گونه راهنمایی می کند:

« آگاه باشید که وقتی می‌توانید در آن شرایط راه
رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا رهاکنندگان و پشت
کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی نماید. و وقتی
می‌توانید به عهد خود با قرآن وفا کنید که شکنندگان
پیمان را تشخیص دهید. و آن‌گاه می‌توانید پیرو قرآن
باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید. »

آن گاه امیر مؤمنان راه حل نهایی را بیان می کند و
می فرماید:

« پس همه ی این ها را از اهلش طلب کنید. آنان هستند
که نظر دادن و حکم کردنشان حکایتگر توانایی و دانش
آن هاست، سکوتشان خبردهنده ی منطق و گفتارشان
است و ظاهرشان نمودار باطنشان می باشد. هرگز با دین
مخالفت نمی کنند و در دین اختلاف ندارند. دین در میان
آنان شاهی صادق و در عین سکوت، گویاست. »

مرجعیت دینی

ولایت ظاهری

تلاش و مجاهدت امامان (ع)

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۱ - تعلیم و تفسیر قرآن کریم: در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می دادند که قرآن را مطابق با اندیشه های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می کردند و رهنمودهای آن را آشکار می ساختند. در نتیجه ی این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی، حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند توانستند از معارف قرآن بهره برده و به حقایق آن دست یابند.

۲ - اقدام برای حفظ سخنان و سیره ی پیامبر(ص) :

امام علی(ع) و فاطمه زهرا (س) سخنان پیامبر (ص) و آداب زندگی ایشان را به فرزندان خود آموزش می دادند و از آنان می خواستند که این آموزش ها را به امامان بزرگوار بعد از خود منتقل کنند.

مانند حدیث سلسله الذهب:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

کلمه ی لا اله الا الله قلعه ی محکم من است و هرکس به

این قلعه ی محکم من وارد شود، از عذاب من درامان می

ماند. پس از اندکی درنگ، امام فرمود:

بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا

اما به شرط های آن و من از شرط های آن هستم

مقصود امام (ع) این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست. بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود. و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است.

نحوه ی بیان این حدیث نشان می دهد که چگونه احادیث، از امامی به امام دیگر منتقل می شده است.

۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو:

با گسترش سرزمین های اسلامی، سؤالهای مختلفی در زمینه های احکام، اخلاق، افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه ی اطهار(ع) با تکیه بر علم الهی خود، به دور از انزوا و گوشه گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره ی همه ی این مسائل اظهار نظر کرده و مسلمانان را از معارف خود بهره مند می ساختند. ثمره ی این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب های بزرگ در حدیث و سیره ی ائمه ی اطهار(ع) در کنار سیره ی پیامبر(ص) و قرآن کریم است.

در میان این کتاب ها می توان از کتاب « نهج البلاغه » که بخش هایی از خطبه ها، نامه ها و کلمات حضرت علی (ع) است،

کتاب « غُرُرُ الْحِكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ » شامل یازده هزار سخن کوتاه از آن حضرت و کتاب « صحیفه ی سجادیّه » از امام سجاد (ع) ، نام برد. علاوه بر این، دانشمندان اسلامی و راویان حدیث، سخنان رسول خدا (ص)

و ائمه ی اطهار علیهم السلام را در مجموعه هایی گرد
آوردند که مهم ترین آن ها عبارت اند از: « کافی » از
مرحوم کلینی ، « مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه » از مرحوم صدوق ،
« التهذيب » و « الاستبصار » از مرحوم شیخ طوسی. به این
چهار کتاب، « کتب اربعه » می گویند.

۴ - تربیت شخصیت های اسلامی: از جمله وظایف

انسان های بزرگوار و با کرامت آن است که اگر افرادی را

مستعد و مشتاق فضیلت یافتند، به تربیت آنان همت

گمارند و برای رسیدن به رشد و کمال یاریشان دهند و از

زیبایی ها و فضایل وجود خود، به آنان ببخشند. ائمه ی

اطهار علیهم السلام در این راه کوشش فراوان کردند.

از این رو، در اطراف هر یک از این بزرگواران،
شخصیت های برجسته ای تربیت شدند که در علم، ایمان،
تقوا و جهاد در راه خدا سرآمد انسان های زمان خویش
بودند. آن ها اندیشه های اسلام راستین را در عالم
گسترش دادند و آرمان های متعالی آن را حفظ کردند.

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری

امامان بزرگوار، از دو جهت با حاکمان زمان خود مبارزه می کردند: اول، از آن جهت که رهبری و اداره ی جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود که برای انجام دادن این وظیفه به پاخیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند.

دوم، از آن جهت که سکوت در مقابل ظلم و زیر پا گذاشتن

قوانین اسلامی را گناه می دانستند و معتقد بودند که اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

البته آنان در این مجاهده از اصولی تبعیت می کردند که در این جا برخی از آنها را مطرح می کنیم:

۱ - **عدم تأیید حاکمان:** امامان هیچ یک از حاکمان غیرقانونی عصر خود را به عنوان جانشین رسول خدا (ع) تأیید نکردند و این امر را به شیوه های گوناگون به اطلاع مردم رساندند. گرچه امامان تفاوت های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می گرفتند و در مواردی که بر طبق دستورات اسلام رفتار می کردند، عملشان را تأیید می نمودند، اما آنان را در غضب خلافت و جانشینی رسول خدا (ص) یکسان می دیدند و این مسئله را به مردم اعلام می کردند.

۲ - معرفی خویش به عنوان امام برحق: آن بزرگواران همواره

خود را به عنوان امام و جانشین برحق پیامبر اکرم (ص) معرفی می کردند؛ به گونه ای که مردم بدانند تنها آن ها جانشین رسول خدا و امام برحق جامعه اند.

این دو اصل، همواره برای حاکمان زمان هم روشن بود، آن ها می دانستند که امامان، حاکمان را به عنوان جانشین رسول خدا (ص) به رسمیت نمی شناسند و مشروعیتی برای آن ها قائل نیستند و خود را لایق این مسئولیت می دانند.

به همین جهت همواره با امامان به بدی رفتار می کردند و نسبت به آنان و یارانشان انواع سختی ها و آزار و اذیت ها روا می داشتند تا آن جا که همه آن بزرگواران به شیوه های گوناگون توسط حاکمان وقت به شهادت رسیدند.

۳ - آگاهی بخشی به مردم: ائمه ی اطهار (ع)

راه رهایی مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی و مشکلات

اجتماعی را آگاه شدن آنان می دانستند. از نظر آن ها رشد

و آگاهی مردم یک اصل اساسی بود و برای تحقق آن حتی

از ایثار جان و مال خود دریغ نداشتند.

۴ - انتخاب شیوه های درست مبارزه: امامان شیوه ی

مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی گزیدند؛

به گونه ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین - یعنی تشیع

- باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و

بنی عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان،

به عنوان اسلام حقیقی، به نسل های آینده معرفی گردد.

آنان می کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تقیه» به پیش ببرند. یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. به نمونه هایی از این شیوه های مختلف مبارزه توجه کنید.

۱ - حضرت علی (ع) پس از این که از حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی محروم ماند، برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشه گیری هم در پیش نگرفت؛ او هر جا که کاری خلاف موازین اسلام می دید، انتقاد می کرد و هر جا هم که از وی کمک می خواستند، آنان را یاری می نمود.

۲ - امام حسن (ع) نیز مانند پدر بزرگوارشان دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. معاویه با صرف هزینه های زیاد توانست بیشتر فرماندهان سپاه امام را از نبرد با خود منصرف کند و با حيله ها و نيرنگ های گوناگون مردم را با خود همراه سازد. امام با سنجیدن جوانب کار، سرانجام صلاح را بر آن دید که برخلاف ميل خود، از جنگ دست بردارد و با معاویه قرارداد صلح امضا کند.

۳ - امام حسین (ع) در زمان معاویه همان روش برادر
بزرگوارش را بعد از صلح، پیش گرفت و علیه معاویه دست
به جهاد نزد. اما وقتی یزید به حکومت رسید، امام روش
خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت
زیر بار بیعت یزید نرود و علیه وی قیام کند.

۴ - پس از شهادت امام حسین (ع) و سرکوبی شدید شیعیان، سازمان تشیع از هم پاشید. به همین جهت، امام سجاد (ع) در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید بنای سازمان تشیع پرداخت. انسان‌هایی فرهیخته و دارای بینش عمیق را تربیت کرد و بار دیگر با علاقه‌مندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. به سبب همین اقدامات بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد.

۵ - در اثر فعالیت های امام سجاد (ع) ، در دوران امام باقر(ع) زمان معرفی اسلام اصیل فرارسید.

امام اقدام علمی و فرهنگی مهمی را آغاز کرد و آن پایه گذاری یک مدرسه ی علمی بزرگ در مدینه بود، که با توجه به ظهور فرقه های گوناگون در جهان اسلام اقدامی ضروری بود. در این مدرسه ی علمی، معارف اصیل اسلامی تدریس می شد.

امام پیوسته شایستگی حاکمان غاصب و جبّار زمان را زیر سؤال می برد و نظر اسلام را درباره ی امامت و خلافت بیان می کرد. امّا هنوز زمان قیام علیه این حاکمان را مناسب نمی دید. به همین جهت، وقتی برادر آن حضرت، به نام زید، برای سازمان دادن یک قیام به ایشان مراجعه کرد، امام او را از این کار بازداشت و او نیز اطاعت کرد.

۶ - در زمان امام صادق (ع) ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی امیه به اوج رسیده بود. در این شرایط دو جناح علیه امویان فعالیت می کردند، یکی عباسیان و دیگری علویان. علویان، دوستداران اهل بیت (ع) بودند. به همین جهت امام صادق (ع) مبارزه ی خود را علنی تر کرد و در فرصت های مناسب از جمله در روز عرفه در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود و فرمود: « ای مردم! رسول خدا امام و رهبر بود، پس از او علی (ع) و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی (ع) به ترتیب امام بودند و اکنون من امام هستم.»

حتی به زیدبن علی، عموی خود اجازه قیام داد. البته بر اثر اشتباهات مسلمانان و روی آوردن آن ها به بنی عباس، با پیروز شدن بنی عباس بر بنی امیه، دوران اختناق و سخت گیری نسبت به علویان دوباره آغاز شد.

امام صادق (ع) در تمام دوران امامت خود، مدرسه ی علمی را که امام باقر پایه گذاری کرده بود، توسعه داد و هزاران شاگرد را در رشته های مختلف معارف اسلام تربیت کرد.

۷ - دوره ی امام کاظم (ع) دوره ی شدت اختناق بود اما ایشان دست از مبارزه برنداشت و آن را به صورت مخفیانه و در قالب « تقیه » ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت. آن حضرت سال های طولانی را نیز در زندان ها به سر برد.

۸ - بعد از شهادت امام کاظم (ع) ، امام رضا (ع) امامت و رهبری شیعیان را برعهده داشت. ده سال از امامت ایشان در دوره ی هارون عباسی بود که دوران بسیار سخت و مشکلی محسوب می شد.

با روی کار آمدن مأمون زمینه ی فعالیت شیعیان بیشتر شد و بر تعداد علاقه مندان به امام افزوده شد. به طوری که مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد. اما بعدها به خاطر ناکامی در نقشه های خود امام را به شهادت رساند.

۹ - با شهادت امام رضا (ع) مرحله ی بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، به طوری که حتی ارتباط معمولی و آمد و رفت به خانه ی امام جواد (ع) نیز مشکل شد. امام هادی (ع) را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و بالاخره در همین محل به شهادت رساندند.

امام حسن عسکری (ع) نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه ی این سختگیری ها، این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت (ع) شدند.

ولایت معنوی امامان

پس از رسول خدا (ص)، ائمه‌ی اطهار (ع) واسطه‌ی خیر و برکت و رحمت در جهان هستی هستند و علاوه بر راهنمایی‌ها و یاری‌های ظاهری، به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز به نیازهای مؤمنان پاسخ می‌دهند و آنان را به مقصود می‌رسانند.

بسیاری از انسان‌های با فضیلت که روح خود را پاک کرده و آماده‌ی دریافت معرفت الهی بوده‌اند، مورد توجه معنوی ائمه‌ی اطهار (ع) قرار گرفته‌اند و انوار حکمت و معرفت بر قلب‌های آنان تابیده است.

این امدادهای معنوی که قطره ای از آن ها بر ما انسان های معمولی آشکار شده، آن چنان گسترده و عظیم است که همه ی ابعاد آن را نمی توان درک کرد. البته آن بزرگواران هرچه دارند، از خدا دارند و اگر خداوند عنایت خود را از کسی قطع کند، هیچ چیز برایش باقی نخواهد ماند. درواقع، مقام و منزلت انسان های با فضیلت ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.

۱- « آشکار کردن رهنمودهای قرآنی » و « انتقال آداب زندگی پیامبر (ص) به فرزندان » و « بهره مند ساختن مسلمانان از معارف الهی » به ترتیب از ثمرات حضور امامان معصوم (ع) در جهت تحقق کدام مورد بوده است؟

(سراسری خارج از کشور - ۹۱)

- ۱) تعلیم و تفسیر قرآن - اقدام برای حفظ سخنان و سیره ی پیامبر (ص) - تبیین معارف سلامی متناسب با نیازهای نو
- ۲) اقدام به حفظ سخنان و سیره ی پیامبر (ص) - تعلیم و تفسیر قرآن - تبیین معارف سلامی متناسب با نیازهای نو

۳) تبیین معارف سلامی متناسب با نیازهای نو - تعلیم و تفسیر قرآن - اقدام برای حفظ سخنان و سیره ی پیامبر (ص)

۴) تعلیم و تفسیر قرآن - تبیین معارف سلامی متناسب با نیازهای نو - اقدام به حفظ سخنان و سیره ی پیامبر (ص)

گزینه ی «۱» صحیح است

۲- جلب عنایت های ویژه ی ائمه ی اطهار (ع) از طریق ولایت معنوی در گرو است و هر کدام از مسئولیت های « تربیت شخصیت های اسلامی » و « آگاهی بخشی به مردم » به ترتیب متوجه و بوده است. (سراسری ریاضی - ۹۱)

(۱) ایمان و عمل - مجاهده در راستای ولایت ظاهری - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

(۲) اجتهاد و بصیرت - مجاهده در راستای ولایت ظاهری - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

(۳) اجتهاد و بصیرت - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - مجاهده در راستای ولایت ظاهری

(۴) ایمان و عمل - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - مجاهده در راستای ولایت ظاهری
گزینه ی «۴» صحیح است

۳- « توجه پیشوایان الهی به شیوه ی مبارزه، متناسب با شرایط زمان » از مصادیق بود که مبتنی بر اصل است که پیامش می باشد. (سراسری تجربی - ۹۱)

(۱) مجاهده در راستای ولایت ظاهری - تبری - بیزاری جستن از دشمن و مبارزه با دشمن

(۲) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - تبری - بیزاری جستن از دشمن و مبارزه با دشمن

(۳) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - تقیه - ضربه زدن به دشمن و کم تر ضربه خوردن از دشمن

(۴) مجاهده در راستای ولایت ظاهری - تقیه - ضربه زدن به دشمن و کم تر ضربه خوردن از دشمن
گزینه ی «۴» صحیح است

۴- پیام کدام آیه، « فقط مزد از خداوند خواستن » است؟
(سراسری انسانی - ۹۱)

(۱) « قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا »

(۲) « قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ »

(۳) « قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ »

(۴) « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا »

گزینہی «۳» صحیح است

نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا »

۵- « تکیه بر آگاهی بخشی به مردم برای نجات از ظلم ظالمان » و « رعایت شرایط مناسب با زمان برای نشان دادن بنیان های سست ظالمان » و « واسطه ی خیر و برکت و رحمت شدن » به ترتیب، مبین کدام یک از مسئولیت های امامان است؟ (سراسری هنر - ۹۱)

- ۱) مرجعیت دینی - مرجعیت دینی - ولایت معنوی
- ۲) مرجعیت دینی - ولایت معنوی - ولایت ظاهری
- ۳) ولایت ظاهری - ولایت ظاهری - مرجعیت دینی
- ۴) ولایت معنوی - ولایت معنوی - ولایت ظاهری

گزینه ی « ۳ » صحیح است

۶- « پاسخ به نیازهای متکی بر دعا‌های خالصانه ی مؤمنان » و « وساطت در خیر و برکت در جهان هستی » و « توسل به شیوه های متفاوت متناسب با زمان » به ترتیب، مبین تحقق کدام یک از مسئولیت های مقام امامت منصوب از سوی خدا است؟ (سراسری ریاضی - ۹۰)

۱) ولایت معنوی - ولایت ظاهری - ولایت ظاهری

۲) مرجعیت دینی - ولایت ظاهری - ولایت معنوی

۳) ولایت ظاهری - ولایت معنوی - مرجعیت دینی

۴) ولایت معنوی - ولایت معنوی - ولایت ظاهری

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۷- تألیف کتب « من لا یحضره الفقیه و التهذیب » و « معرفی خویش به عنوان امام بر حق » و « مبارزه بر اساس تقیه » به ترتیب در قالب کدام یک از مسئولیت دوگانه ی مقام امامت است؟ (سراسری انسانی - ۹۰)

- ۱) مجاهده در راستای ولایت ظاهری - مجاهده در راستای ولایت ظاهری - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی
- ۲) مجاهده در راستای ولایت ظاهری - اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - مجاهده در راستای ولایت ظاهری

۳) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - اقدامات مربوط به

مرجعیت دینی - مجاهده در راستای ولایت ظاهری

۴) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی - مجاهده در راستای

ولایت ظاهری - مجاهده در راستای ولایت ظاهری

گزینه‌ی «۴» صحیح است